

بررسی مشروعیت و آسیب شناسی طلاق با رویکرد قرآنی و روایی

فاطمه رضایی^۱

^۱ دانشجوی دکتری، تفسیر تطبیقی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم

نویسنده مسئول:

فاطمه رضایی



چکیده

امروزه کانون خانواده مثل قبل مملو از انس و صفا نیست. طلاق عاملی مهم برای برهم زدن آرامش خانواده است. آمار بالای طلاق علاوه بر ریختن قبح آن، صدمات زیادی به جامعه وارد کرده است؛ مثل: بی بندوباری، کاهش قوای جمعی، بزهکاری و... احکام الهی بر اساس مصالح و مفاسد نوعیه وضع شده‌اند تا انسان‌ها با پیروی از این دستورات، زندگی بهتری داشته باشند و به آرامش روحی برسند، و در سایه این آرامش، به عبادت و بندگی بپردازند و به هدف آفرینش (شناخت خالق هستی) برسند. طلاق نیز یکی از احکام الهی است که بدون شک از این قاعده مستثنا نیست، هر چند در روایت آمده است: ناپسندترین چیز حلال نزد خداوند متعال، طلاق است. طلاق در جامعه اسلامی با رعایت موازین اخلاقی همراه بوده و به عنوان یک ضرورت، مشروعیت یافته است. ازدواج در اسلام پیمانی الهی است؛ حکمت طلاق نیز رهایی دو همسر از سختی هم‌زیستی و ایجاد آرامش و امنیت است. درست همان هدف ازدواج آرامش (لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا) را دنبال می‌کند. در این پژوهش صرفاً به چرایی این پدیده از منظر قرآن کریم اشاره شده است آسیب شناسی طلاق و شناسایی عوامل بروز طلاق که در قرآن کریم به بعضی از آن‌ها اشاره شده، می‌تواند از جدایی زن و شوهر جلوگیری کرد.

کلمات کلیدی: طلاق، قرآن کریم، فلسفه تشریح، علل و پیامدهای طلاق.

مقدمه

اساس دین محمدی(ص) چیزی جز محبت نیست. خداوند برای بقاء نسل بشر علاقه‌ای بین زن و مرد ایجاد کرد تا نسل بشر ادامه یابد. حال اگر محبت جای خود را به بغض و کینه دهد علاوه بر جدایی عواقب شومی را برای آن‌ها، فرزندانشان و جامعه پدید می‌آورد؛ چون شکست و نابودی خانواده‌ها، جامعه را به تباهی می‌کشاند. خداوند به‌همین دلیل زندگی توأم با تنفر را نمی‌پسندد و حکم جدایی را در چنین شرایطی مشروع می‌داند. قوانین را طوری تنظیم نموده که راهی برای تجاوز ستمکاران باقی نماند و طلاق کم‌ترین آسیب را به جامعه برساند.

در این مقاله سعی شده که حکمت طلاق در قرآن را با توجه به آرا دین پژوهان، حقوق دانان و جامعه‌شناسان بررسی کرده و با نهایت اختصار این مطالب گردآوری و تنظیم شود. تذکر چند نکته :

- این مطالب با توجه به اولویتی که در جامعه‌ی ما احساس می‌شود و اولویتهای دینی جمع‌آوری شده به‌همین دلیل در خیلی از موارد به ذکر چند مورد اکتفا شده است .

- در دین ما سنت ائمه‌ی اطهار (ع)، جدای از قرآن و دستور خداوند نیست. بنابراین در این جا از روایات استفاده شده اما در بیشتر موارد فقط به آن‌ها استناد شده و حتی متن روایت ذکر نشده است.

- در بحث روایی جایی برای تأمل در سند روایات نبود، اما سعی شده که روایاتی انتخاب شود که محتوای آن با اصول پذیرفته شده در دین، مطابقت داشته باشد.

- به علت محدودیت در صفحات مقاله در حد توان مطالب خیلی خلاصه بیان شده که خوانندگان در بعضی موارد می‌توانند با مراجعه به منابع اطلاعات لازم را کسب کنند.

۱- کلیات

۱-۱- معنای واژه طلاق

طَلِق در عربی به معنی حلال در برابر حرام و آزاد در مقابل بنده می‌باشد. (تبریزی، ۱۳۷۶ش، ج ۳ ص ۱۳۵۸) و طَلَّق به معنی رها شدن زن از عقد نکاح می‌باشد. (دهخدا، ۱۳۷۲ ش، ص ۳۰۴). طلاق یعنی «التَّخْلِيه من الوثاق یعنی نداشتن عهد و پیمانی» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶هـ ج ۲، ص ۴۷۲) «رها شدن از قید نکاح (طبق شرایط مقرر در دین)» (دهخدا، ۱۳۷۲ش، ص ۳۰۴). در لغت به معنای «حَلَّ الْعَقْد» است و به «ارسال و تبرک» هم طلاق می‌گویند. (النجفی، ج ۳۲، ص ۳) مُطَلَّق: در احکام شرعی چیزی است که استثناء بر آن وارد نمی‌شود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶هـ ج ۲، ص ۴۹۷)

۱-۲- معنای اصطلاحی

طلاق در اصطلاح فقهی ایقاعی آهر قراردادی در فقه یا عقد است که نیاز به رضایت طرفین دارد یا ایقاع که رضایت یک نفر برای انعقاد آن کفایت می‌کند. استبرای انحلال قرداد همسری (نجفی، ۱۴۰۱هـ ج ۳۲، ص ۳) با لفظ مخصوص؛ (محقق حلّی، ج ۵، ص ۹) که با فسخ، خلع و مبارات فرق دارد؛ (آماده ۱۱۳۲ قانون مدنی: در فسخ نکاح رعایت ترتیباتی که برای طلاق مقرر است شرط نیست. [۱] و شرایط و مراحل خاص خود را دارد.

۱-۳- واژه‌ی طلاق در قرآن کریم

کلماتی که از ریشه‌ی (ط ل ق) هستند در قرآن ۲۱ بار تکرار شده و که نه مورد بر وزن انفعال؛ اُنْطَلَّقَ فُلَانٌ: وقتی است که کسی از دنبال برود و بگذرد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶هـ ج ۲، ص ۴۹۷) در بقیه‌ی موارد طلاق معنای انحلال نکاح را می‌دهد: سوره بقره: ۲۲۸، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۴۱؛ سوره احزاب: ۴۹؛ سوره طلاق: ۱ و سوره تحریم: ۵ [ط ل ق] در آیه‌ی ۲۳۰ سوره بقره و ۱ سوره طلاق دوبار تکرار شده.

در مواردی قرآن کریم نیز با کاربرد واژه‌هایی دیگر به صورت مستقیم و غیر مستقیم مباحث طلاق را مطرح کرده است: سَرَّحُوْهُنَّ، سَرَّحًا، تسريح از ریشه‌ی (س ر ح) به معنای جدایی؛ فَرَّحُوْهُنَّ و يَتَفَرَّقْنَ از ریشه‌ی (ف ر ق) به معنای دوری و جدا شدن است.

در قرآن آیات طلاق بیشتر مربوط به دورانی می‌شود که صیغه طلاق جاری شده و زن و مرد در دوران «عده» می‌باشند. این دوره‌ی زمانی یکی از دوره‌های بسیار حساس در دوران زندگی زناشویی می‌باشند که آیات بسیاری در خصوص احکام آن آمده است و تمام این آیات بیش از آن که به مسأله طلاق پرداخته باشد، مستقیم یا غیر مستقیم به تشویق برای بازگشت به زندگی خانوادگی اشاره کرده است.

۴-۱- تعریف جامعه‌شناسان از طلاق

در اصطلاح طلاق (Divorce) در نظام‌های حقوقی غربی بر انحلال یک رابطه زناشویی رسمی و قانونی در زمانی که هر دو طرف هنوز در قید حیاتند و پس از وقوع آن می‌توانند بار دیگر ازدواج کنند، دلالت دارد. (بستان نجفی، ۱۳۸۸ش، ص ۲۲۹) طلاق نزد جامعه‌شناسان اعم از طلاق پنهانی و آشکار است. (ستوده، ۱۳۸۶ش، ص ۸۳) طلاق پنهانی که به خاطر وجود موانع فرهنگی، ارزشی، معنوی و موقعیتی خاص به مرحله‌ی قانونی نمی‌رسد نزد اسلام مردود و ناپسند است.

۲- فلسفه‌ی تشریح طلاق در اسلام

ازدواج در قرآن کریم و روایات همیشه ممدوح است مورد سفارش قرار گرفته، در مقابل مذموم و منفور دانستن طلاق در منابع مختلف شیعی و اهل سنت موجود است؛ به عنوان مثال:

- ۱- عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي حَدِيجَةَ (عَنْ أَبِي هَاشِمٍ) «۵» عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يُحِبُّ الْبَيْتَ الَّذِي فِيهِ الْعُرْسُ وَ يُبْغِضُ الَّذِي فِيهِ الطَّلَاقُ وَ مَا مِنْ شَيْءٍ أُبْغِضَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنَ الطَّلَاقِ. (وسائل الشيعة، ج ۲۲، ص ۷)
- ۲- عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَمِعْتُ أَبِي يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يُبْغِضُ كُلَّ مِطْلَاقٍ وَ ذَوَاقٍ. (همان، ص ۸)
- ۳- الْحَسَنُ بْنُ الْفَضْلِ الطَّبْرَسِيُّ فِي مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ قَالَ: قَالَ ع تَزَوَّجُوا وَ لَا تَطْلُقُوا فَإِنَّ الطَّلَاقَ يَهْتَزُّ مِنْهُ الْعُرْسُ. (همان، ج ۲۲، ص: ۹)

۴- در کافی از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمود: «چیزی نیست که خداوند حلال کرده باشد و به قدر طلاق در نزد او مبعوض باشد و خداوند دشمن می‌دارد کسانی را که زود طلاق می‌دهند و زود ازدواج می‌کنند». (کلینی، ط - الإسلامية)، ج ۶، ص ۵۴)

ازدواج در اسلام پیمانی الهی است؛ آیه‌ی ۲۱ سوره نساء: (وَأُخِذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا؛ و آنان از شما پیمانی استوار گرفته‌اند) که زوجین با عهد بستن با خدا [چون هر کجا کلمه (میثاق) آمده با فعل (أخذ) همراه است که نمایشگر پیمان الهی است.] در راستای تحقق بخشیدن به هدف خلقت تلاش می‌کنند. (حسینی، ۱۳۸۹ش، ص ۱۹۵) پیوند زن و مرد برای ازدواج بالاتر از شهوت است. همان‌طور که در قرآن کریم آیه‌ی ۲۱ سوره روم با نام‌های «مودت و رحمت» از آن یاد کرده است. (وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ.) و از نشانه‌های او اینکه از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام گیرید و میانتان دوستی و رحمت نهاد آری در این [نعمت] برای مردمی که می‌اندیشند قطعاً نشانه‌هایی است (۲۱)

حکمت طلاق نیز رهایی دو همسر از سختی هم‌زیستی و ایجاد آرامش و امنیت است. درست همان هدف ازدواج آرامش (لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا) را دنبال می‌کند. (قرائتی، ۱۳۸۳ش، ج ۲، ص ۴۰۱) پس اگر بنا به قداست ازدواج بخواهیم طلاق را غیر مجاز تشخیص دهیم (مثل مسیحیت) به خطا رفته‌ایم. چون در زندگی گاهی سازش و تفاهم برای زوجین غیر ممکن است و طلاق مثل دارویی تلخ برای خانواده بیمار ضروری و لازم است. (حسینی، ۱۳۸۹ش، ص ۱۹۷)

اکثر شرایع و تمدن‌ها طلاق را مشروع می‌دانند ولی در بعضی راه طلاق را طوری گسترده و باز قرار داده‌اند که خانواده را متزلزل ساخته و در بعضی محدودیت ایجاد کرده‌اند که طلاق مشروع و قانونی عملاً صورت نمی‌گیرد. (قرضاوی، ۱۳۸۰ش، ص ۳۰۱). طلاق نیز چون ناشی از رسوم هر ملت است به میزان هر جامعه، تمدن و آیینی متفاوت است. که بحث طلاق در جوامع مختلف بحث مفصلی است که از حیثه‌ی فعالیت ما قرآن پژوهان خارج است. ولی از توجه به آداب طلاق در جوامع مختلف (ر. ک به: خزائلی، ۱۳۵۳ش، ص ۲۰-۴۰) می‌توان به این نتیجه رسید که اسلام راه میانه را در نظر گرفته است و با مشروع دانستن طلاق راه برای کسانی که ادامه‌ی زندگی مشترکشان غیر ممکن شده باز شده؛ ولی با پذیرفتن مشروعیت طلاق بدون قید و بند ارزش اجتماعی کانون خانواده، نادیده گرفته می‌شود به همین دلیل برای جلوگیری از تورم طلاق در جامعه حدودی را برای طلاق در نظر گرفته شده؛ که این محدودیت‌ها طلاق را غیر ممکن نمی‌کند.

بعضی حق طلاق را تساوی بین زن و مرد می‌دانند یعنی همان راه خروجی که برای مرد در نظر گرفته شده همان راه برای زن هم وجود داشته باشد و آن را (تساوی حقوق) تلقی می‌کنند. (قرضاوی، ۱۳۸۰ش، ص ۲۶۵) با توجه به تفاوت روحیات احساسات زن و مرد که روان‌شناسان و داده‌های آماری آن را تأیید می‌کند. استقلال زن در طلاق به منزله‌ی بی‌توجهی به کانون خانواده و افزایش طلاق و بی‌بند و باری در جامعه است. (گواهی، ۱۳۷۳ش، ص ۵۰) «اوسون» آمریکایی می‌گوید:

«۸۰٪ طلاق‌ها به تقاضای زنان در آمریکا واقع شده است. راز افزایش طلاق همین است که باید محدود شود.» (نوری، ۱۳۴۷ش. ص ۲۰۸)

یکی از تفاوت‌های روحیات زن و مرد و تأثیرش در پیوند خانوادگی این است که علاقه‌ی زن به مرد معلول علاقه‌ی مرد به اوست و بی‌علاقگی مرد موجب پایان حیات خانوادگی می‌شود اما سرد مزاجی (بی‌علاقگی) زن به مرد موجب ویرانی خانواده نمی‌شود و مرد اگر عاقل و وفادار باشد می‌تواند با ابراز محبت خانواده را احیا کند. (استاد مطهری، ۱۳۷۲ش. ص ۲۷۰)

ضمناً طلاق یک سری نتایج مالی برای مرد به همراه دارد که مرد باید برای پرداخت و پذیرش این خسارت راضی باشد. با توجه به این دلایل نمی‌توان حق طلاق را مساوی در نظر گرفت. (گواهی، ۱۳۷۳ش. ص ۵۳)

حق طلاق اگر منحصر به مرد باشد؛ مشروعیت طلاق که بر مبنای ضرورت است در این فرض زیر سؤال می‌رود چون امکان دارد ضرورت و الزام برای زن هم حاصل شود. بنابراین برای جلوگیری از سوء استفاده طرفین اگر بخواهیم نظارت و اذن دادگاه بر طلاق را بپذیریم با توجه به روح ازدواج و هدف از تشکیل خانواده و موقعیتی که زن در خانواده باید داشته باشد بطلان این روش روشن می‌شود چون این مسائل شخصی است و به اختیار شخصی نیاز دارد. (استاد مطهری، ۱۳۷۲ش. ص ۲۲۵) به همین دلیل خداوند راه جدایی را هم برای مرد و هم برای زن باز گذاشته اما متفاوت از یکدیگر. یعنی هر چند طلاق را به صورت یک حق برای زن نمی‌شناسد، اما به طور کلی راه برایش مسدود نیست مثلاً در طلاق خلع و مبارات یا شرط ضمن عقد زن مبنی بر وکالت بلاعزل برای طلاق و یا طلاق قضایی.

این نظریه ابداعی اسلام و قرآن است که متأسفانه در کشورهای اسلامی ناقص از آن پیروی می‌کنند. (همان، ص ۲۹۰-۲۹۱)

در آیین‌های قبل از اسلام طلاق ظالمانه بود و اغلب ظلم و ستمی بر زن وارد می‌شد به عنوان مثال در دین یهود مرد می‌تواند حتی بدون دلیل زن را طلاق دهد. در تورات باب ۲۴ آیه ۱ در مورد طلاق آمده است: "چون کسی زن گرفته و به نکاح خود در آورد اگر در نظر او پسند نیاید از این که چیزی ناشایسته در او بیابد آن گاه طلاق نامه نوشته و به دستش دهد و او را از خانه اش رها کند و زن از خانه او روانه شده برود و زن دیگری بگیرد."

زن در دین یهود نیز به هیچ عنوان نمی‌تواند تقاضای طلاق نماید. در تلمود آمده است: «مرد حق طلاق دارد و برای زن چنین حقی نیست. مرد می‌تواند با کم‌ترین دلیل حتی سوزاندن غذا زن خود را طلاق دهد.» (محقق داماد، ۱۳۸۷ش. ص ۴۹۸)

ولی اسلام راه طلاق را برای زن مسدود قرار نداده.

مسیحیت کلیسایی نیز هیچ‌گاه طلاق را اجازه نمی‌دهد. در انجیل متی آمده: «گفته شده که اگر کسی می‌خواهد از دست زنش خلاص شود؛ کافی است طلاقنامه‌ی او را به او دهد. اما من می‌گویم هر که زن خود را بدون این که خیانتی از او دیده باشد طلاق دهد و زن او با مرد دیگری ازدواج کند آن مرد مقصر است زیرا باعث شده زنش زنا کند؛ و مرد دیگری که با زن ازدواج کرده، زناکار است.» (انجیل، ص ۹ و ۶۰)

مسیحیت و یهود به عنوان دو دین که بیشترین گروندگان را در حال حاضر دارند چنین نگاهی به طلاق دارند. در آیین دیگر هم چنین اعتقاداتی حاکم است که یا به کل طلاق را منع کرده اند یا اختیار تام برای مرد قائل شدند و راه را برای زن مسدود کردند؛ یا اجازه آن را به حاکم واگذار کردند. که در همه این موارد همان طور که آمار نشان می‌دهد، شاهد مشکلات بیشتری هستند. که اسلام برای جلوگیری از عواقب شوم منع طلاق این امر را تشریح نمود، ولی با وضع قوانین و احکامی خاص از آسیب‌های اجتماعی و فردی آن جلوگیری کرد و راه‌ها را برای بازگشت زوجین به زندگی مشترک هموارتر کرد.

۳- عوامل اجتماعی و اخلاقی بروز طلاق

طلاق دلایل گوناگونی دارد؛ این دلایل متناسب با موقعیت فرهنگی و اجتماعی جامعه متفاوت است. شناخت عوامل مؤثر در شکل گیری این پدیده برای کنترلی و کاهش آن نقش به سزایی دارد. در این فصل به مهم‌ترین عوامل اجتماعی و اخلاقی طبق آمار جامعه شناسان اشاره می‌شود.

۳-۱- انتخاب های غیر اصولی

دقت در انتخاب همسر ضرورت دارد و مسامحه و بی‌توجهی پشیمانی در پی خواهد داشت. طبق گزارش‌های آماری سال ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ بعد از اختلال و ضعف مهارت ارتباطی، اختلال در انتخاب همسر دومین عامل مهم در طلاق است. ۲۰/۸٪ جدایی‌ها در دوران عقد و آشنایی صورت گرفته است. (خلیلی، ۱۳۹۰، ص ۱۴۴ و ۱۴۱) مسأله انتخاب همسر در اسلام اهمیت ویژه‌ای دارد و مهم‌ترین ملاک در قرآن کفویت همسران است. در تشخیص شأنیت طرفین از نظر قرآن کریم سه معیار مهم است:

یک - ایمان؛ طوری که خداوند کنیز مؤمن را بهتر از کافر آزاده می‌داند. آیه‌ی ۲۲۱ سوره بقره: «وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَنَّ وَلَا مَؤْمِنَةً حَتَّىٰ مَنِ الْمُشْرِكِ وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا وَلَعَبِدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ وَيُبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ» و با زنان مشرک ازدواج نکنید تا ایمان بیابند قطعاً کنیز با ایمان بهتر از زن مشرک است هر چند [زیبایی] او شما را به شگفت آورد و به مردان مشرک زن دهید تا ایمان بیابند قطعاً برده با ایمان بهتر از مرد آزاد مشرک است هر چند شما را به شگفت آورد آنان [شما را] به سوی آتش فرا می‌خوانند و خدا به فرمان خود [شما را] به سوی بهشت و آمرزش می‌خواند و آیات خود را برای مردم روشن می‌گرداند باشد که متذکر شوند (۲۲۱)

و ارتداد از عوامل فسخ قرارداد نکاح محسوب می‌شود. آیه‌ی ۱۰ سوره ممتحنه: «لَا هُنَّ حِلٌّ لَّهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لِهِنَّ وَأَتَوْهُنَّ مَا أَنْفَقُوا..» «زنان کافر را در همسری قرار ندهید و آن‌چه خرج کرده‌اید مطالبه کنید و آن‌ها نیز آن‌چه خرج کرده‌اند از شما مطالبه کنند.»

دو - اخلاق در کفویت احصان و پاکدامنی شرط است و قرآن دستور داده با زنان پاک ازدواج کنید. آیه‌ی ۳ نور: (الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحَرَّمَ ذَٰلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ). مرد زناکار جز زن زناکار یا مشرک را به همسری نگیرد و زن زناکار جز مرد زناکار یا مشرک را به زنی نگیرد و بر مؤمنان این [امر] حرام گردیده است (۳)

سه - خانواده؛ چون از زمین شوره زار گیاه سبز نمی‌روید؛ خدای سبحان در آیه‌ی ۵۸ سوره اعراف می‌فرماید: «وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبَثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا كَذَٰلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ» «و زمین پاک، گیاه آن به اذن خداوند برآید و زمین ناپاک جز حاصلی ناچیز و بی‌فایده ندارد.» روایاتی نیز در این زمینه هست و طبق روایات اگر کسی را در اخلاق و ایمان پسندید به او همسر دهید و گرنه فساد بزرگ در روی زمین به وجود می‌آید. عَنْ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزَبَانَ قَالَ كَتَبَ عَلِيُّ بْنُ أَسْبَاطٍ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ ع فِي أَمْرِ بَنَاتِهِ وَ أَنَّهُ لَا يَجِدُ أَحَدًا مِثْلَهُ فَكَتَبَ إِلَيْهِ أَبُو جَعْفَرٍ ع - فَهَمَّتْ مَا ذَكَرْتُ مِنْ أَمْرِ بَنَاتِكَ وَ أَنَا لَا تَجِدُ أَحَدًا مِثْلَكَ فَلَا تَنْظُرْ فِي ذَٰلِكَ رَحِمَكَ اللَّهُ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ إِذَا جَاءَكُمْ مِنْ تَرَضُّونَ خُلُقَهُ وَ دِينَهُ فَرُوجُهُ إِلَّا تَفَعَّلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةً فِي الْأَرْضِ وَ فِسَادٌ كَبِيرٌ. (وسائل الشيعه، ج ۲۰، ص: ۷۶)

پس سلامت جامعه در گرو انتخاب آگاهانه برای ازدواج است. امروزه در مرحله‌ی انتخاب همسر به‌خاطر گسترده‌تر شدن جامعه مسائلی از جمله توجه به اختلافات طبقاتی، تحصیلات، تحقیق قبل از ازدواج برای شناخت بیشتر طرفین و صحبت‌های اولیه برای شناخت حداقلی از یکدیگر با رعایت موازین شرعی لازم است.

۳-۲- عقیده‌های نادرست

یکی از مهم‌ترین عاملی که مانع شناخت واقعی زن و شوهر از هم می‌شود، عقیده‌های نادرست نسبت به ازدواج، زن و مرد، جایگاهشان و وظایف آن‌هاست. از جمله جریان‌هایی که در قرون اخیر، به بهانه‌های مسدود کردن راه ظلم به زنان و نجات آن‌ها از چنگال ظالمانه‌ی مردان، بیش از پیش باعث شده که نگرش زن و مرد به هم، اسلامی نباشد و بسیاری از مشکلات رفتاری و اجتماعی را به وجود آورده، فمینیسم است. استوارت رین معتقد است: «حضور زنان سرپرست خانواده، به هیچ وجه سالم و کارآمد نبوده و به دلیل محرومیت از هیأت‌های مردانه - پدران اضطراب و آسیب‌های بسیار جدی و خطرناک نصیب کودکان کرد.» (استوارت رین، ص ۴۸ و ۴۹)

بعضی روان شناسان اجتماعی، نگرش (Attitude) را موضوع اصلی روان شناسی- اجتماعی می‌دانند، از این لحاظ که نگرش‌ها تعیین کننده رفتارها هستند. (کریمی، ۱۳۷۹، ص ۲۵) قرآن کریم زن و شوهر را نسبت به هم مثل لباس می‌داند،

(هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ) (آیه ۱۸۷ سوره بقره). هر اندازه که زن وظیفه‌ای در مقابل مرد دارد، مردم هم مسئولیت دارد و هر دو مکمل یکدیگرند. (وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ) (آیه ۲۲۸ سوره بقره). برای بقای نسل و حفظ کانون گرم خانواده برای فرزندان، زن و مرد هر دو مسئول هستند. (نَسَاؤُكُمْ خُرْتُ لَكُمْ فَأَتُوا خُرْتُكُمْ أَنِّي شِئْتُمْ وَقَدَّمُوا لَأَنْفُسِكُمْ) (آیه ۲۲۳ سوره بقره). مدیریت و سرپرستی خانواده بر عهده‌ی مرد است به خاطر برتری آن‌ها از لحاظ عقل معاش، قدرت و توان مالی جهت امرار معاش خانواده؛ و زنان صالح نیز در مقابل همسر خود متواضع‌اند و اسرار و حقوق همسر خود را در زمان غیبتش حفظ می‌کنند. الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ) (آیه ۳۴ سوره نساء). این دستورات خداوند برای بقای خانواده‌ها و جامعه بشری مفیدتر است و اگر کسی به این نکته توجه داشته باشد، مطمئناً زندگی سالمی خواهد داشت.

۳-۳- رعایت نکردن حقوق همسر

همان‌طور که بیان شد اختلالات ارتباطی همسران عامل مهم طلاق است که با شناخت حقوق زوجین، حتی قبل از ازدواج و رعایت آن از گسست خانواده جلوگیری خواهد شد.

از دیدگاه قرآن کریم مرد بر زن شش حق دارد:

یک - حق استمتاع و بهره‌مندی جنسی؛ طبق آیه ۲۳۲ سوره بقره: (نَسَاؤُكُمْ خُرْتُ لَكُمْ فَأَتُوا خُرْتُكُمْ أَنِّي شِئْتُمْ) دو- حق اطاعت؛ یعنی زن در تکالیف شوهرداری از قبیل زناشویی، رفت و آمد باید مطیع شوهر باشد. آیه ۳۴ سوره نساء: (فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ).

سه - اظهار زینت زن برای شوهرش باشد. آیه ۳۱ سوره نور: (وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ) چهار- حق طلاق با مردان است ولی همان‌طور که اشاره شد جدایی به درخواست زن هم امکان‌پذیر است ولی نه به عنوان حق.

پنج - نگه داشتن عده زن پس از طلاق و وفات شوهرش نوعی حق برای مرد است. آیه ۴۹ سوره احزاب: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُونَهَا فَمَتَّعُوهُنَّ وَسَرَّخُوهُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا) ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر زنان مؤمن را به نکاح خود درآوردید آنگاه پیش از آنکه با آنان همخوابگی کنید طلاقشان دادید دیگر بر عهده آنها عده‌ای که آن را بشمارید نیست پس مهرشان را بدهید و خوش و خرم آنها را رها کنید

۱ و ۲ / طلاق: يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلَّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يُخْرِجَنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبَيَّنَةٍ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُخْرِجُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا (۱) فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهِدُوا ذَوَى عَدْلٍ مِّنْكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ذَلِكَ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا (۲)

شش - پاسداری از حقوق و اسرار. آیه ۳۴ سوره نساء: (حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ) هم‌چنین زنان باید موجبات رضایت همسر را فراهم آورد مثلاً در تربیت فرزندان، ایجاد فضای مهر و صفا، ایثار و فداکاری در خانواده و فراهم کردن اسباب رضایت و خشنودی فرزندان و همسرش کوشا باشد. (ر.ک به: تفسیر نمونه ج ۳ ص ۳۷۱)

اسلام حقوقی را برای زن در نظر گرفته است؛ از جمله:

الف - حق مهریه آیه ۴ نساء: (وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِّنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَّرِيئًا).

ب - حق نفقه (آیات ۲۲۳ سوره بقره و ۶ و ۷ سوره طلاق) .

ج - حق حضانت و شیردهی (آیه ۲۲۳ سوره بقره و ۶ سوره طلاق)

د- حق زناشویی و هم‌خوابگی. (آیه ۲۲۸ سوره بقره (در مورد ایلاء))، همان‌طور که اشاره شد در تعیین حقوق آن‌ها در مقابل یکدیگر به تفاوت‌های جنسیتی و روحیه‌ی آن‌ها توجه شده است به زن به‌دلیل عاطفی بودن دستورات در همین زمینه است و برای مردان نیز وظایف نان‌آوری، تعیین شده است.

حقوق مشترک زن و شوهر نسبت به هم عبارتند از:

یکم - تلاش برای اصلاح و رستگاری یکدیگر، چون در اسلام خانواده برای حفظ تقوا تشکیل می‌شود. آیه ۲۲۱ سوره بقره:

(وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ) (ر.ک به: میزان/الحکمه ج ۲ ص ۱۶۵۳)

دوم - حسن معاشرت، وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ (آیه ۱۹ سوره نساء) (وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا) (آیه ۲۱ سوره روم).

سوم - حق ارث (آیه ۱۲ سوره نساء): (وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ...).

چهارم - احترام به پدر و مادر همسر مثل احترام به والدین خود؛ طبق روایات پدر هر کسی سه تا است: الف) پدری که به سبب او دنیا آمده‌ای؛ ب) پدر همسرت و ج) پدری که به تو علم و تربیت آموخته است. (امینی، ج ۱، ص ۳۶۹)

۳-۴- فساد اخلاقی

امروزه اعتقادات دینی در زندگی روزمره افراد، از لحاظ رعایت نکات اخلاقی کم اهمیت شده است مثلاً در سال ۱۹۸۹م در بررسی نگرش‌های اجتماعی انگلیسی ۱/۳ مردم آن کشور ادعا کردند ابداً هیچ دینی ندارند. به همین دلیل شاهد افزایش طلاق، روابط نامشروع و رشد اعتیاد و بزهکاری در غرب هستیم (حق شناس، ۱۳۸۸ ش. ص ۱۹۴)

نیاز جنسی، که بر اساس حکمت الهی در سرشت انسان ها قرار داده تا ضمن بقای جنسی، آیهی ۱ سوره نساء می فرماید: (وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً.) انس و محبت بیشتری بین همسران ایجاد کند در آیهی ۱۹ سوره روم می خوانیم: (وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً. . و موجب رشد و تعالی شود.

آیاتی از قرآن کریم به مسئله‌ی ارضای غریزه‌ی جنسی اشاره می‌کند، این آیات حاکی از آن است که نمی‌توان میل جنسی را سرکوب کرد: آیهی ۱۸۷ سوره بقره (حکم زناشویی در شب‌های ماه رمضان را بیان می‌کند)، آیهی ۲۲۲ سوره بقره (حکم ممنوعیت زناشویی در زمان حیض)، آیه ۲۲۳ سوره بقره (زنان را به زمین زراعی برای مردان تشبیه کرده)، آیهی ۲۲۴ سوره بقره (حکم مردی که چهار ماه از زناشویی با همسرش سرباز می زند) آیهی ۳۴ سوره نساء (حکم زنی که زناشویی با شوهرش را ترک کرده).

از طرفی قرآن کریم مسائل جنسی خارج از خانواده (همسر) را نامشروع و ناپسند می‌داند: در آیه‌های ۱۵ و ۱۹ سوره نساء (حکم زنی که ارتکاب به عمل منافی عفتش اثبات شود)؛ آیهی ۲۴ سوره نساء (حکم ممنوعیت ازدواج با زنان همسر دار)؛ آیهی ۱ سوره طلاق (خروج از عده به خاطر ترس از فحشاء)؛ آیهی ۶ تا ۹ سوره نور (در مورد لعان: ظن شوهر نسبت به پاکدامنی همسرش)؛ آیهی ۲ و ۳ سوره نور (بی‌اهمیتی زن و مردی که زناکار هستند و مجازات آن‌ها)؛ آیه ۲۳ و ۲۴ سوره نور (احکام نگاه به جنس مخالف و حجاب را مطرح کرده)؛ آیهی ۳۱ سوره معارج (روابط خارج از ازدواج، تجاوز از حدود الهی است).

با توجه به آماری که دکتر فروتن رئیس کلینیک سلامت خانواده در آذرماه ۱۳۸۶ اعلام کرد: «بین ۵۰ تا ۶۰ درصد طلاق‌های صورت گرفته در ایران به علت مشکلات و اختلالات جنسی است.» پس باید خواست خداوند را بر هوای نفس طبق دستورات دینی مقدم داشت و احکام زناشویی را به جوانان در شرف ازدواج آموزش داد. به‌علاوه نگاه زن و مرد به یکدیگر صرفاً نباید شهوانی باشد و مسائل جنسی راهی برای نزدیکی به خداوند است نه صرفاً لذت بردن (حکیم، ۱۳۸۹ ش، ص ۲۵۰، ۲۹۳).

۳-۵- اعتیاد

چهارمین عامل مهم طبق آمار سال (خلیلی، ، ص ۱۴۴). ۱۳۸۷-۱۳۸۸، اعتیاد است. (مکارم، تفسیر نمونه، ج ۲ ص ۱۲۹، ۱۲۴) کم‌تر اتفاق افتاده که در خانواده‌ای موفق و سالم شاهد اعتیاد اعضای خانواده باشیم؛ یعنی همان‌طور که اعتیاد موجب براندازی خانواده‌هاست، عدم استحکام خانواده نیز عاملی برای اعتیاد است. طبق تبصره ۱ ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی یکی از مصادیق عسر و حرج، برای طلاق زن اعتیاد است؛ البته توصیه می‌شود که زن و مرد در صورت بروز این اتفاق در خانواده فکر درمان باشند تا یافتن راهی برای رهایی.

حکم قرآن در مورد حرمت شرب خمر به‌خاطر این است که موجب تباهی اموال، فساد در جامعه و انواع بیماری‌های جسم و جان در انسان می‌شود. (مجلسی، ۱۴۰۶، ۱۳۶۴ ش؛ ج ۸، ص ۳۹۷)

۳-۶- مشکلات اقتصادی

عدم توانایی برای تأمین مایحتاج زندگی اغلب منجر به جدای زوجین می‌شود. عواملی از جمله: بیکاری، اختلافات طبقاتی، خساست فرد، مهریه‌های بالا، گرانی و تورم و مسائلی از این قبیل موجب بروز مشکلات اقتصادی در خانواده می‌شود.

در محیط خانواده‌ی اسلامی، وظیفه‌ی مرد است که از لحاظ اقتصادی امکانات زندگی را فراهم کند و در مقابل به زنان توصیه شده که صبر، ایثار و همکاری با شوهرشان داشته باشند. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ أَبِيهِ ع قَالَ: تَقَاضَى عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فِي الْخِدْمَةِ فَقَضَى عَلِيٌّ فَاطِمَةَ بِخِدْمَتِهِ مَا دُونَ الْبَابِ وَ قَضَى عَلِيٌّ عَلِيًّا بِمَا خَلْفَهُ قَالَ فَقَالَتْ فَاطِمَةُ قَلَّا يَعْلَمُ مَا دَاخِلُنِي مِنَ السَّرُورِ إِلَّا اللَّهُ يَا كَفَّاي رَسُولُ اللَّهِ ص تَحْمَلُ رِقَابَ الرِّجَالِ.

بیان تحمل رقاب الرجال ای تحمل امور تحملها رقابهم من حمل القرب و الحطب و یحتمل أن یكون کنایه عن التبرز من بین الرجال أو المشی علی رقاب النائمین عند خروجها لیلًا للاستقاء ای التحمل علی رقابهم و لا یبعد أن یكون أصله ما تحمل فأسقطت کلمه ما من النساخ. (بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۴۳، ص: ۸۱)

بر این اساس اشتغال و تأمین نیازهای مالی و وظیفه ی زن نیست. متأسفانه امروزه با توجه به تقاضای زیاد زنان برای کار در خارج از منزل و استقلال مالی زوجه، شاهد بالا رفتن اختلافات زوجین و متزلزل شدن پایه های خانواده در جامعه هستیم. در حال که حضرت فاطمه زهرا (س) ارجحیت را برای زن در این می‌دانند که مرد بیگانه‌ای را نبیند و مرد بیگانه ای نیز او را نبیند؛ «خَيْرُ النِّسَاءِ أَنْ لَا يَرَيْنَ الرَّجَالََ وَ لَا يَرَاهُنَّ الرَّجَالَ» (طبرسی، ۱۴۱۲ ق، ص ۲۳۰) این توصیه‌ی اخلاقی برای مصلحت زن و خانواده است. (استاد مطهری، ۱۳۸۵ ش، ص ۲۲۲)

خانواده‌ای که عاطفه بر آن حاکم است مالکیت‌ها جمعی است (مال من و تو معنا ندارد.) و رضایت خانواده درگرو تأمین مسائل مالی نیست، تعاون و همکاری و تشریک مساعی در خانواده حکم فرماست. پس قرآن و روایات به‌همین دلیل انسان را به قناعت و صبر دعوت کرده‌اند تا این مشکلات حل شود. (بهشتی، ۱۳۷۷ ش، ص ۱۵۵.۱۶۶)

نتیجه گیری

اسلام با در نظر گرفتن معایب منع طلاق در جامعه برای طلاق مشروعیت قائل شد، اما آداب طلاق را به گونه ای مقرر کرد که راه طلاق برای زن هم وجود داشته باشد و صدمات و آسیب کمتری را به همراه داشته باشد. طبق این پژوهش به اهم عوامل طلاق از نظر قرآن کریم اشاره شد که با شناخت این عوامل آسیب زا و آشنایی مردم جامعه با این عوامل از شیوع طلاق در جامعه پیش گیری کرد.

منابع و مراجع

۱. قرآن کریم ترجمه فارسی ابوالفضل بهرام پور.
۲. ابن منظور، (۱۴۰۸ هـ). لسان العرب، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
۳. استوارت، رین، (۱۳۷۸ ش)، تأثیر فمینیسم بر فرزندان، ترجمه کتابیون رجی راد، قم، دفتر نشر معارف.
۴. امینی، عبدالحسین، بی تا، الغدیر، بیروت، دارالکتب العربی.
۵. استر آبادی، میرزا مهدی خان، (۱۳۸۸ ش) انجیل نادر شاهی، ترجمه فارسی، تهران، علم.
۶. بستان نجفی، حسین، (۱۳۸۸ ش)، اسلام و جامعه شناسی خانواده، همکاری محمد عزیز بختیاری و سید حسین شرف الدین نشر قم سبحان، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۷. بهشتی، احمد، (۱۳۷۷ ش). خانواده در قرآن، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، حوزه علمیه قم.
۸. تبریزی، محمد حسین بن خلف، (۱۳۷۶ ش) برهان قاطع، تهران امیرکبیر.
۹. حر عاملی، محمدبن حسن، (۱۴۰۹ هـ) وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشیعه، قم موسسه آل البیت (ع). چاپ اول.
۱۰. حسینی، سید ابراهیم، (۱۳۸۹ ش). حقوق خانوادگی و اجتماعی زن، با همکاری گروهی از محققان انتشارات دفتر نشر معارف.
۱۱. حق شناس، جعفر، (۱۳۸۸ ش)، آسیب شناسی خانواده، نشر تهران مرکز امور زنان و خانواده.
۱۲. حکمت نیا، محمود، (۱۳۹۰ ش). حقوق زن و خانواده، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۳. حکیم، سید منذر و زاهدی، بتول، (۱۳۸۹ ش). «علل طلاق و راهبردهای کاهش آن از دیدگاه قرآن با روش تنزیل نزول»، نشریه مطالعات راهبردی زنان، شماره ۴۹ پاییز.
۱۴. خلیلی، حمزه، (۱۳۹۰ ش). طلاق (حقوقی - اجتماعی) ناشر قم، ابتکار دانش، چاپ اول.
۱۵. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۲ ش). لغت نامه‌ی دهخدا، موسسه انتشارات دانشگاه تهران.
۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۶ هـ) ترجمه مفردات الفاظ القرآن، تصحیح صفوان عدنان داوودی، بیروت الدار الاسلامیه.
۱۷. ساروخانی، باقر، (۱۳۸۲ ش). طلاق پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن، تهران شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۸. ستوده، هدایت الله، بهاری، سیف الله، (۱۳۸۶ ش)، آسیب شناسی خانواده، انتشارات ندای آریانا.
۱۹. طبرسی، حسن بن فضل، (۱۴۱۲ هـ) مکارم الأخلاق، قم. الشریف الرضی.
۲۰. عمید، حسن، (۱۳۸۹ ش)، لغتنامه عمید، تألیف و ویرایش: فرهاد قربانزاده، ناشر: اشجع، چاپ اول
۲۱. فتاحی زاده، فتحیه، (۱۳۸۷ ش)، حجاب از دیدگاه قرآن و سنت، نشر بوستان کتاب چاپ اول.
۲۲. قرائتی، محسن، (۱۳۸۳ ش). تفسیر نور، تهران. مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن.

۲۳. قرضاوی، یوسف، (۱۳۸۰ش). حلال و حرام در اسلام، ترجمه ابوبکر حسن زاده، نشر احسان .
۲۴. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۵ش). قانون مدنی در نظام حقوقی کنونی، تهران میزان.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، انتشارات علمیه الاسلامیه قم.
۲۶. گواهی، زهرا، (۱۳۷۳ش). حقوق زنان در مسأله طلاق: بر اساس احکام فقه و قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، سازمان تبلیغات اسلامی.
۲۷. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۳۹۲ش). بحار الانوار، قم انتشارات اسلامیه.
۲۸. محقق داماد، سیدمصطفی، (۱۳۷۲ش). حقوق خانواده، تهران. نشر علوم اسلامی.
۲۹. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۵ش). مسأله حجاب، تهران انتشارات صدرا.
۳۰. -----، (۱۳۷۲ش). نظام حقوقی زن در اسلام، انتشارات صدرا .
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۶۸ش). تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب اسلامیه.
۳۲. النجفی، محمد حسن، (۱۴۰۱ه) جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
۳۳. نوری، یحیی، (۱۳۴۷ش). حقوق زن در اسلام و جهان، انتشارات فراهانی.

